



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

بررسی علل توقیف مطبوعات در ایران

مطالعه تاریخی دوره پهلوی دوم: از شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷

استاد راهنما

دکتر حسینعلی افخمی

استاد مشاور

دکتر هادی خانیکی

نگارش

سیده صدیقه قویدل

سال تحصیلی 1390

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یاد آر

ز شمع مرده، یاد آر

تقدیم به همه آدم‌هایی که روی زندگیم تاثیر مثبت گذاشتند

چکیده:

توقیف روزنامه‌ها از ابتدای ورود مطبوعات به ایران تا امروز همچنان ادامه دارد و گویی تبدیل به سنتی تغییرناپذیر در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران شده است. این پژوهش با هدف شناخت کمی و کیفی روزنامه‌های توقیف شده، به دنبال آن است تا با بررسی روزنامه‌های توقیف شده در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی در مورد تعداد دفعات توقیف روزنامه‌های این دوره اطلاعاتی به دست آورد و با جمع‌آوری مطالب و مقالاتی که نگارش آنها باعث بسته شدن روزنامه‌های این دوره شده، راهی مناسب برای پاسخگویی به این سوال بیاید که روزنامه‌ها در دوره پهلوی دوم، به چه دلایلی توقیف می‌شدند. برای پاسخگویی به سوال اصلی تحقیق در این رساله از روش مطالعه تاریخی استفاده شده است.

نوآوری این پژوهش این بود که برای یافتن علت توقیف به جای مراجعه به اسناد دست دوم، مستقیماً از روزنامه‌های توقیف شده استفاده شد و علت توقیف‌ها به کمک یافتن "مطلبی" که نگارش آن باعث توقیف روزنامه شده بود مشخص شد. این روش به این پژوهش کمک کرد تا به اطلاعات تازه‌ای در زمینه تاریخ مطبوعات معاصر ایران دست پیدا کند.

این کار یک تحقیق کیفی و بنیادی بود و برای گردآوری اطلاعات آن از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق تمام روزنامه‌های منتشر شده از شهریور 1320 تا بهمن 1357 هستند که به هر دلیلی مورد توقیف قرار گرفته بودند. تعداد روزنامه‌های توقیف شده این دوره، طبق مطالعات میدانی محقق، 300 روزنامه است. روزنامه در این تحقیق نشریه‌ای بود که حداقل هفته‌ای 4 شماره از آن منتشر شده باشد.

در این پژوهش از یک شیوه ابتکاری برای نمونه‌گیری استفاده شد. روزنامه‌های این دوره 37 ساله بر اساس طول مدت انتشار و دوره‌های مهم حوادث تاریخی که در آن منتشر شده بودند در 36 گروه دسته‌بندی شدند. بر حسب میزان در دسترس بودن نمونه‌ها و اینکه کدام یک از آنها آرشیو کاملتری داشتند از تعدادی از گروه‌ها عناوینی انتخاب شد. در مجموع 32 روزنامه مورد بررسی قرار گرفتند که از اطلاعات به دست آمده از 20 روزنامه برای پاسخ دادن به سوال تحقیق استفاده شد.

از 159 بار توقیف این 20 روزنامه، تنها در 34 مورد موفق به یافتن مطلب باعث توقیف روزنامه شدیم. دلایل توقیف این روزنامه‌ها در 8 گروه دسته‌بندی شد. نتیجه نهایی این پژوهش نشان داد که اهانت به نخست‌وزیر و مخالفت با مشی سیاسی دولت با 15 مورد فراوانی از 34 مورد، مهم‌ترین دلیل توقیف مطبوعات در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی بوده است. بقیه موارد تقریباً فراوانی مشابهی داشتند و تفاوت معنی‌داری از جهت دلیل توقیف بودن بین آنها مشاهده نشد.

کلمات کلیدی: نظارت بر مطبوعات، توقیف روزنامه‌ها، تاریخ روزنامه‌نگاری ایران از شهریور 1320 تا بهمن

1357، اتهام اهانت به نخست‌وزیر، روش مطالعه تاریخی، دوره پهلوی دوم، سانسور

فهرست مطالب:

فصل 1

1	طرح مسئله
6	اهمیت و ضرورت تحقیق
8	اهداف تحقیق
8	سوال‌های تحقیق
10	پژوهش‌های پیشین
13	نوآوری تحقیق

فصل 2

17	مقدمه
	بخش ۱: تعریف مفاهیم
18 1.1.2. سانسور
22	انواع ممیزی
24	تعریف کتاب‌های ضاله
25	شیوه‌های ممیزی در مطبوعات سیاسی ایران
25	معیارهایی برای سنجش میزان مقید بودن مطبوعات
27	روش‌های مدرن کنترل مطبوعات
28	عوارض ممیزی
29	مباحث فلسفی درباره حدود سانسور مطبوعات
31 2.1.2. آزادی
32 3.1.2. نگاهی به مفهوم آزادی در تاریخ معاصر ایران

34..... 4.1.2. آزادی مطبوعات

38 چگونگی اجرای آزادی مطبوعات در کشورهای مختلف

بخش ۲: تاریخ سانسور

42 1.2.2. تاریخ سانسور تا قبل از اختراع چاپ

44 2.2.2. تاریخ سانسور پس از اختراع چاپ

44 روش‌های سانسور کلیسایی

45 آغاز سانسور در کشورهای مختلف

بخش ۳: تاریخچه سانسور و توقیف مطبوعات در ایران دوره قاجار

48 1.3.2. توقیف مطبوعات در دوره محمد شاه

49 نشانه‌های حضور سانسور در اولین روزنامه ایران

50 2.3.2. توقیف مطبوعات در دوره ناصرالدین شاه (1264-1313 ق.)

50 انتشار وقایع اتفاقیه و آغاز ممیزی غیر رسمی در ایران

52 آغاز سانسور رسمی در ایران: تاسیس اداره دارالطباعة دولتی

53 ایجاد سانسور داخله

55 وطن، آغاز توقیف رسمی روزنامه در ایران

56 قانون کنت: نخستین قانون ممیزی پیش از ایجاد وزارت انطباعات

58 ایجاد و اداره سانسور به سبک اروپا (اداره سانسور خارجه)

61 مطبوعات توقیف شده در دوره ناصرالدین شاه

61 منتقدان سانسور مطبوعات در دوره ناصرالدین شاه

64 3.3.2. توقیف مطبوعات در دوره مظفری 1313-1325 ق

64 1.3.3.2. توقیف و سانسور مطبوعات پیش از مشروطه

65 ویژگی‌های روزنامه نگاری غیر دولتی در ایران

66 نخستین روزنامه‌نگار زندانی و تبعیدی ایران

67 اولین توقیف سراسری مطبوعات

68.....	2.3.3.2. شرایط توقیف و سانسور مطبوعات پس از مشروطه
69	تقسیم‌بندی دوره‌های مطبوعاتی از مشروطه تا به قدرت رسیدن رضاخان
69	1.2.3.3.2. فاصله میان صدور فرمان مشروطه تا آغاز کار مجلس
70	2.2.3.3.2. از گشایش اولین مجلس شورای ملی تا انحلال وزارت انطباعات
70	3.2.3.3.2. از طلوعه آزادی مطبوعات تا حکومت محمدعلی شاه
74.....	4.3.2. رابطه محمد علی شاه و مطبوعات
76	جرائم ششگانه منجر به توقیف در اولین قانون مطبوعات
77	کودتای محمد علی شاه و توقیف سراسری مطبوعات
77	وضعیت مطبوعات و روزنامه‌نگاران در دوران استبداد صغیر
78.....	5.3.2. دوره احمد شاه - مشروطه دوم
80	آغاز جنگ اول جهانی و سانسور متفقین
81	عوامل منجر به ظهور رضاخان
83.....	6.3.2. کودتای سوم اسفند سال 1299 رضاخان
83	توقیف سراسری مطبوعات، اولین اقدام حکومت کودتا
85	تصویب "قانون راجع به نظارت مطبوعات" و تعیین ناظر شرعیات
86	برخورد رضاخان با مطبوعات پیش از رسیدن به سلطنت
بخش ۴: تاریخچه توقیف و سانسور در دوران سلطنت پهلوی اول	
87.....	1.4.2. تشکیلات سانسور رضا شاه
90	سازمان پرورش افکار، جایگزینی برای سانسور مستقیم
91	نهادهای مسئول کنترل مطبوعات در دوره رضا شاه
93	محرر معلی خان، نماد سانسور پهلوی
بخش ۵: توقیف و سانسور مطبوعات در دوران حکومت محمد رضا شاه پهلوی	
94.....	1.5.2. سال‌های اشغال ایران (1320-25)
97	در 17 آذر 1321 چه گذشت
100	دولت سهیلی و لایحه "تحدید حقوق مطبوعات"

103	کابینه باغشاه
104	جریان خروج متفقین از ایران و غائله آذربایجان
106	ترور یک روزنامه‌نگار
107	ویژگی‌های مطبوعات دوره 1320 تا 1326
110	2.5.2. سال 1327: ترور شاه در دانشگاه تهران و پیامدهای آن
111	توقیف 90 روزنامه
111	تصویب قانون مطبوعات اقبال-زنگنه و افزایش توقیف‌ها
114	3.5.2. دوران نخست‌وزیری رزم‌آرا
114	دستور لغو توقیف 51 روزنامه توسط رزم‌آرا
115	تحصن مدیران جراید و لغو قانون اقبال-زنگنه
118	4.5.2. از نخست‌وزیری مصدق تا کودتای 28 مرداد 1332
119	تظاهرات حزب توده و حمله به روزنامه‌های مخالف دولت
123	مذاکرات نافرجام نفت و زمینه‌های شکل‌گیری کودتای 28 مرداد 1332
125	قانون مطبوعات مصوب دکتر مصدق
127	رفتار دولت کودتا با مطبوعات
132	5.5.2. دوران تثبیت قدرت محمدرضا شاه
133	سومین قانون مطبوعات ایران مصوب سال 1334
137	حکومت دکتر امینی و آزادی نسبی مطبوعات
141	دولت علم، تند رو ترین دولت معاصر
143	قانون تیراژ مطبوعات و لغو امتیاز 75 نشریه
148	وضعیت مطبوعات در دهه 40
149	نابودی مطبوعات آزاد در پی ایجاد حزب رستاخیز 1354
152	سانسور مطبوعات در دوره هویدا
153	حضور ساواک در عرصه سانسور
154	دستورالعمل خود سانسوری همراه با اعلام فضای باز سیاسی
159	نمونه‌ای از توقیف روزنامه‌ها در اواخر سلطنت
160	اعتصاب سراسری مطبوعات

بخش ۶: بررسی احزاب و تشکلهای سیاسی تاثیرگذار دوره پهلوی دوم

163-170

از حزب توده تا حزب رستاخیز

171

اسامی احزاب و تشکلهای سیاسی ایران در فاصله سالهای 1320-1357

بخش ۷: نظریه‌های آزادی و کنترل مطبوعات

172

چهار نظریه مطبوعات

174

نظریه مک کوایل

176

طبقه‌بندی جان مریل

فصل 3

1.3. روش تحقیق

181

روش تاریخی

184

مراحل یک تحقیق تاریخی

185

اعتبار و پایایی مطالعات تاریخی

2.3. تعریف مفاهیم

187

1.2.3. تعریف نظری توقیف مطبوعات

190

تعریف عملی توقیف مطبوعات

191

2.2.3. تعریف نظری روزنامه

193

تعریف عملی روزنامه

3.3. ویژگی‌های نمونه

195

جامعه آماری

196

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

198-201

جدول شماره 4: روزنامه‌های توقیف شده در فاصله سالهای 1320 تا 1357

201

نحوه جمع‌آوری داده‌ها

202

فنون مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها

فصل 4

205	مقدمه
	بررسی تفکیکی نمونه روزنامه‌های توقیف شده:
206	1- آتش
208	2- آزاد
210	3- ایران ما
214	4- باختر
216	5- باختر امروز
222	6- بسوی آینده
224	7- بهرام
225	8- جبهه
226	9- جهان
227	10- داریا
230	11- ستاره
232	12- شاهد
237	13- صدای مردم
238	14- فرمان
241	15- کشور
243	16- میهن
244	17- نامه مردم
246	18- نبرد
251	19- نبرد ملت
254	20- نجات ایران
255	جدول شماره 5: 12 روزنامه‌ای که علت توقیف‌های آنها پیدا نشد
256	جدول شماره 6: علت توقیف روزنامه‌های نمونه بر مبنای مطلبی که باعث توقیف شده است
260	جدول شماره 7: دلایل توقیف روزنامه‌ها در فاصله سال‌های 1320-1357
261	جدول شماره 8: تعداد توقیف‌های بررسی شده در دوره هر کدام از نخست‌وزیران دوره پهلوی دوم

فصل 5

265	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
274	مشکلات تحقیق و پیشنهادات
279	منابع فارسی
292	منابع انگلیسی
294	مآخذ

فهرست جدول‌ها

10	جدول شماره 1: علل توقیف مطبوعات در سال‌های 1320 تا 1332
171	جدول شماره 2: اسامی احزاب و تشکل‌های سیاسی ایران در فاصله سال‌های 1320-1357
172	جدول شماره 3: چهار نظریه در مطبوعات
198-201	جدول شماره 4: روزنامه‌های توقیف شده در فاصله سال‌های 1320 تا 1357
255	جدول شماره 5: 12 روزنامه‌ای که علت توقیف آنها پیدا نشد
256-259	جدول شماره 6: علت توقیف روزنامه‌های نمونه بر مبنای مطلبی که باعث توقیف شده است
260	جدول شماره 7: دلایل توقیف روزنامه‌ها در فاصله سال‌های 1320-1357
261	جدول شماره 8: تعداد توقیف‌های بررسی شده در دوره هر کدام از نخست‌وزیران دوره پهلوی دوم

فهرست شکل‌ها

11	شکل شماره 1: نمودار روند توقیف و سانسور در فاصله سال‌های 32-1320
176	شکل شماره 2: الگوی نظام‌های ارتباطی جان مریل

پیوست‌ها

62-1 پیوست	جدول شماره 9: فهرست روزنامه‌های توقیف شده در فاصله سال‌های 1320-1357 و معرفی آنها از منابع مختلف
63 پیوست	جدول شماره 10: نخست‌وزیران حکومت پهلوی دوم و تاریخ زمامداری آنها

فهرست اسناد

- 212 سند 1: سومین توقیف ایران ما
- 213 سند 2: علت سومین توقیف ایران ما
- 218 سند 3: دومین توقیف باختر امروز
- 219 سند 4: گزارشی با عنوان "من ناظر احتضار مجلس پانزدهم بودم" که باعث توقیف روزنامه شد.
- 220 سند 5: علت دومین توقیف باختر امروز
- 221 سند 6: جریان رفع توقیف باختر امروز
- 234 سند 7: دومین توقیف شاهد
- 235 سند 8: "اینجا نادرستی و بی کفایتی مانع احراز مقامات عالی نیست"
- 236 سند 9: روزنامه صفیر دلیل دومین توقیف روزنامه شاهد را بیان کرده است.
- 248 سند 10: سومین توقیف روزنامه نبرد
- 249 سند 11: قرارداد تقسیم ایران میان سه دولت انگلیس و روس و آمریکا
- 252 سند 12: اولین توقیف نبرد ملت
- 253 سند 13: علت دومین توقیف نبرد ملت در مطلبی با عنوان "تیمسار عزیز!"

فصل ۱

کلیات پژوهش

طرح مسئله:

تاریخ مطبوعات در ایران هرگز از تاریخ سانسور جدا نبوده است. از سال 1216 شمسی^۱ که نخستین روزنامه فارسی زبان در ایران به نام کاغذ اخبار به وسیله میرزا صالح شیرازی منتشر شد تا انقلاب مشروطه و از آن زمان تا امروز، نشریات ایران همیشه با این پدیده مواجه بوده‌اند. از توقیف‌های سراسری روزنامه‌ها که شاید از نظر دفعات در تاریخ مطبوعات جهان کم نظیر باشد گرفته تا سیلی زدن‌ها و دهان دوختن‌ها و آتش زدن روزنامه‌نویس‌های آزادی‌خواه، همه نمونه‌هایی هستند از اعمال فشار بر روزنامه و روزنامه‌نگارها که در صفحات تاریخ 174 ساله روزنامه‌نگاری ایران برای همیشه حک شده‌اند.

هرچند مطبوعات و روزنامه‌نگاری از جلوه‌های بورژوازی، آزادیخواهی، دموکراسی و رکن چهارم دولت‌ها در نظام‌های غربی به شمار می‌روند ولی در سرزمین ایران سرنوشت مطبوعات به گونه‌ای دیگر رقم خورده است. آنقدر متفاوت که اگر در غرب هدف اصلی نشر روزنامه، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم بود، در اعلام‌نامه اولین شماره دومین روزنامه ایران، وقایع اتفاقیه، می‌خوانیم که هدف اصلی اعلیحضرت همایونی از چاپ آن "تربیت ساکنین ممالک محروسه" است.

با مراجعه به وقایع اتفاقیه می‌توان مشاهده کرد که این خبرنامه درباری خیلی زود به زخم سانسور دچار شد و "برجیس" شاید نخستین عامل اجرای سانسور در ایران باشد. (محیط طباطبایی 1366، 46)

در نخستین روزهای سال 1293 ق. روزنامه‌ای دو زبانه به نام وطن به مدیریت بارون دو نرمان، "مهندس دولت علیه"، در ایران انتشار یافت که بسیاری آن را حادثه‌ای شگفت در عالم روزنامه‌نگاری و سیاست آن دوران می‌دانند. محتوای آزادی‌خواهانه نخستین شماره "وطن" چنان خشم

^۱ 1253 ه.ق. مطابق با 1837 م.

ناصرالدین شاه و اطرافیانش را برانگیخت که روزنامه را برای همیشه توقیف کردند و این اولین توقیف روزنامه در ایران بود.

گرچه در دوره ناصری تمام مطبوعات، دولتی بودند و خود ممیزی و نظارت مستقیم شاه بر آنها دلیلی برای ایجاد سانسور داخلی باقی نمی گذاشت اما هیات حاکمه ایران مجبور شد برای مقابله با برخی کتاب‌ها و روزنامه‌های فارسی که از خارج وارد کشور می شدند در سال 1302 ق. "اداره سانسور" را زیر نظر وزارت انطباعات ایجاد کند.

با اعلام حکومت مشروطه در سال 1285 ه.ش. و تصویب نخستین قانون مطبوعات که آزادی قلم و فکر و زبان را تضمین می کرد، تعداد زیادی روزنامه جدید منتشر شد؛ اما این وضعیت دوام چندانی نداشت. محمدعلی شاه چند ماه بعد مجلس را به توپ بست و همه روزنامه‌ها را توقیف کرد. حتی در اعلامیه‌های رسمی این دوره از مطبوعات با عنوان "سرمنشا فساد" یاد می شود و تعدادی از روزنامه‌نگاران مانند جهانگیرخان صور اسرافیل به جرم آزادی خواهی به دستور شاه به قتل می رسند.

با پیروزی مشروطه خواهان و فرار محمد علی شاه، مطبوعات دوباره وارد صحنه اجتماعی شدند. از انقلاب مشروطه تا تثبیت قدرت رضا شاه، فعالیت‌های مطبوعاتی ایران با وجود محدودیت‌ها و فشارهای گوناگون نسبتاً پر رونق بود؛ اما با تثبیت قدرت رضاخان کم کم از رونق مطبوعات کاسته شد و نظارت و سانسور دولتی فزونی گرفت.

در کتاب "روزنامه و روزنامه نگاری در ایران" آمده است در دوره رضاخان، جراید تحت سانسور شدید قرار داشتند و جراید مخالف دولت با توقیف از صحنه خارج می شدند. در دوره او مدیران جراید حق نداشتند هیچ مطلبی را بدون اجازه شهربانی منتشر کنند. (باقریان نژاد اصفهانی 1371، 37) در این دوره کار به جایی رسید که مقالات و خبرهای روز یکسان به جراید داده می شد و حتی از مدیران مطبوعات می خواستند عنوان مقالات، خبرها و حتی تیترها را هم تغییر ندهند.

به دنبال حمله متفقین به ایران در شهریور 1320 و اشغال نواحی جنوب و شمال ایران و تبعید رضاخان، مطبوعات دوره دیگری از آزادی را تجربه کردند. این فضای باز که ناشی از ضعف محمدرضا شاه بود، بازار مطبوعات را هم داغ کرد؛ چنانکه در نیمه اول دهه 20 تعداد 743 عنوان نشریه بر فهرست مطبوعات افزوده شد؛ حسین ابوترابی‌ان در کتاب "مطبوعات ایران از شهریور 1320 تا 1326" در مورد این دوره می نویسد: "مطبوعات بعد از شهریور 1320 علی‌رغم آزادی بی قید و شرط در مورد درج اخبار و مسائل داخلی از نظر اخبار و تفسیرهای خارجی به هیچ وجه از آزادی عمل برخوردار نبودند و سانسور شدیدی از سوی سفارتخانه‌های سه کشور اشغالگر شوروی،

انگلیس، و آمریکا بر آنها اعمال می‌شد. در همین دوره هم وقوع حادثه معروف 17 آذر یا بلوای نان در تهران در سال 1321 باعث شد تا دولت قوام‌السلطنه دستور توقیف کلیه جراید کشور را برای مدت 43 روز صادر کند. (ابوتراییان 1366، 8-10)

با استقرار حکومت نظامی بعد از شهریور 1320، در اکثر شهرهای ایران با اشاره دولت‌ها حکومت نظامی می‌توانست برای هر مدت و هر اندازه که لازم بداند از نشر روزنامه جلوگیری کند (باقریان‌نژاد اصفهانی 1371، 38) و سلاح سرکوب حکومت‌ها در این دوران اعمال مقررات حکومت نظامی بود.

در دوران 24 کابینه‌ای که از شهریور 1320 تا آبان 1327 تشکیل شد. (ابوتراییان 1366، 184) علت توقیف یک نشریه به ندرت بیان می‌شد یا آشکارتر از آن بود که ابراز شود؛ اما معمولاً علت اصلی توقیف‌ها مسائل سیاسی بود و به چگونگی ترکیب دولت‌ها بستگی داشت. در دوره مورد بحث توقیف، رفع توقیف، تقاضای توقیف و سانسور مطبوعات امری نسبتاً عادی بود و رسیدگی به امور و دعوای مطبوعاتی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی و قضایی را به خود اختصاص می‌داد. (اسنادی از مطبوعات ایران 1378، 8)

پس از کودتای 28 مرداد 1332 اولین گام دولت نظامی وقت توقیف تمام مطبوعات در سراسر کشور بود. با سرکوب نشریات به وسیله دولت کودتا در دوران تازه‌ای از اختناق و ممیزی ایجاد گردید. سرانجام با اجرا شدن قانون مطبوعات مصوب سال 1334 به یک دوره نسبتاً پر رونق تاریخ مطبوعات ایران پایان داده شد.

در سال 1336 با تشکیل ساواک، اداره مطبوعات از بین رفت و نظارت بر مطبوعات و انتشارات به سازمان امنیت و اطلاعات کشور واگذار شد. در این دوره، ممیزی مذهبی در وزارت فرهنگ و هنر و ممیزی سیاسی نشریات در ساواک انجام می‌شد.

در اسفند ماه سال 1341 نزدیک به هفتاد روزنامه و مجله به طور دسته جمعی توقیف شدند. در فروردین 1342 در ادامه تصفیه مطبوعاتی، دولت با تصویب مصوبه تیراژ، بسیاری از نشریات در تهران و شهرستان‌ها را به تعطیلی کشاند. (علینی 1374، 57) در سال‌های 56 و 57 با شروع انقلاب زمینه آزادسازی مطبوعات فراهم شد و در ماه‌های آخر این دوره جراید با کمترین ممیزی منتشر شدند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم دوره‌هایی از توقیف به اصطلاح "فله‌ای" مطبوعات دیده می‌شود. در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی یعنی سال 58، سال‌های ابتدایی بعد از جنگ (سال 61)، توقیف دسته جمعی مطبوعات اصلاح طلب در سال 78 و 87 و ... نمونه‌هایی از توقیف روزنامه‌ها در این سال‌هاست. "در طول سال‌های 58، 59 و 60 جمعا 175 نشریه توقیف و سه نشریه تعطیل شدند. در سال 61 نیز 71 نشریه توقیف گردید." (حسین‌زاده 1364، 29)

آنچه که عنوان شد خلاصه‌ای از تاریخ پر فراز و نشیب مطبوعات ایران بود که از آغاز تا امروز همیشه با طعم تلخ توقیف همراه بوده است.

مهدی محسنیان راد، محقق ارتباطات، در مقاله‌ای عنوان کرده که طبق بررسی‌های او 90/5 درصد از تاریخ روزنامه‌نگاری ایران همراه با سانسور بوده و 9/5 درصد باقی مانده هم دوره مطبوعات آزاد و فحاش بوده است. (محسنیان راد 1371، 5) حتی در دوره‌هایی مانند سال‌های 32-1320 که آن را آزادترین سال‌های روزنامه‌نگاری در ایران می‌دانند باز هم در دوره زمامداری تمام دولت‌ها، با وجود اینکه همه آنها از آزادی مطبوعات دم می‌زدند، با توقیف‌های پی‌درپی روزنامه‌ها مواجه هستیم؛ چه، آزادی نسبی این دوران، ناشی از وضع بحرانی جامعه‌ای در اشغال نیروهای بیگانه است نه ناشی از اعتقاد به آزادی قلم و بیان.

اما دلایل این کنترل و توقیف دائمی مطبوعات در ایران چیست؟ حتی در آغاز روزنامه‌نگاری ایران که روزنامه‌ها کاملا تحت کنترل دربار هستند باز هم با توقیف "وطن" مواجه می‌شویم یا در دو دهه آخر حکومت پهلوی با وجود اینکه مطبوعات عملا حقوق بگیر دولت هستند و نظارت شدیدی بر آنها اعمال می‌شود، باز هم حاکمیت دست به توقیف دسته‌جمعی آنها می‌زند.

عده‌ای از محققان در پاسخ به این سوال بیان می‌کنند که مشکل در دیدگاه دولت‌های ایران نهفته که در آن جایگاه چندانی برای اطلاع‌رسانی به مردم و اعتماد به مراکز فرهنگی وجود ندارد. عده‌ای دیگر هم علاوه بر اینکه نقش دولت‌ها را نادیده نمی‌گیرند نیمی از مشکل را ناشی از عملکرد خود مطبوعات می‌دانند.

صادق زیبا کلام در مقدمه کتاب "مطبوعات ارگان در ایران از مشروطه تا انحلال مجلس سوم می‌نویسد: "این درست است که مطبوعات در طی این یک قرن گذشته [...] بهای سنگینی برای آزادی و حق حیات خود پرداخته‌اند؛ اما در عین حال از این واقعیت نیز گریزی نیست که در موارد بسیاری که در جامعه، آزادی نسبی برقرار شده است رفتار برخی از مطبوعات و روزنامه‌نگاران این سوال را در ذهن انسان بر می‌انگیزد که آیا عملکرد آنان به سود آزادی و تداوم فضای باز سیاسی کشور بوده

یا سرعت بخشیدن به برچیده شدن همان فضای مختصر باز سیاسی که به وجود آمده است." (باقری ده آبادی 1382، 16) از این دیدگاه، گناه تندروی‌های مطبوعات، کمتر از توقیف کنندگان آنها نیست؛ زیرا "تاریخ نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاری حتاکانه و غیر دوراندیشانه موجب تثبیت مخالفان مطبوعات" شده است و همانطور که همه تندروی‌های عالم به کوچه بن‌بست رسیده، "تندروی در استبداد، مرگ استبداد و تندروی در آزادی‌خواهی هم مرگ آزادی را به دنبال داشته است." (قاسمی 1380ب، 15-17)

البته این ایراد شاید چندان هم روا نباشد. "141 سال مطبوعات زیر سلطه سانسور، فرزندان خواهد داشت که نیاموخته‌اند در شرایط بدون سانسور چگونه عمل کنند و لذا در شرایط آزادی مطبوعات، مطبوعاتی فحاش متولد می‌شوند." مطبوعاتی که حکومت‌های ایران در این سال‌ها بعد از اندکی مدارا چاره‌ای جز توقیف آنها نیافته‌اند.

با مروری گذرا بر اسناد مطبوعاتی موجود از دوره‌های مختلف تاریخ مطبوعات ایران می‌توان دلایلی از جمله اعتراض مقامات دولتی به مندرجات جراید، اعتراض دیپلمات‌های انگلستان و شوروی به مقالاتی که بر ضد دولت‌های مطبوعشان منتشر شده، توهین به اسلام، توهین به مقام سلطنت و ... را به عنوان دلایل توقیف روزنامه‌ها در این سال‌ها نام برد.

مرور تاریخ مطبوعات ایران، این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که چه عواملی باعث تداوم انواع سانسور از جمله شدیدترین نوع آن یعنی توقیف در ایران شده است؟ آیا صرفاً تندروی‌های روزنامه‌نگاران در نگارش مقالات انتقادی و عبور گه‌گاه آنها از خط قرمزهای حکومتی باعث توقیف هر روزه روزنامه‌ها می‌شده یا کم‌تحملی و نقد ناپذیری دولت‌ها؟ چرا در دورانی مثل 1320-1332 که عنوان آزادترین دوره مطبوعات ایران را یدک می‌کشد باز هم با توقیف‌های پی‌درپی مطبوعات مواجه هستیم؟ چرا بعد از گذشت 174 سال هنوز هم نگرش حاکمان جامعه به روزنامه‌نگاری یک نگاه پدرسالارانه و از بالا به پایین است؟ آیا مشکل از جامعه مطبوعاتی است و آنها هنوز به اندازه کافی حرفه‌ای نشده‌اند یا باید برای یافتن پاسخ این سوالات به دنبال دلایلی دیگر باشیم؟

طبق تحقیقات میدانی محقق در فاصله سال‌های 1320 تا 1357 حدود 300 روزنامه روزانه در ایران منتشر می‌شده² که با توجه به چند دوره توقیف دسته‌جمعی می‌توان گفت تقریباً همه آنها حداقل برای یک بار هم که شده توقیف شده‌اند.

² اسامی و مشخصات این روزنامه‌ها که توسط محقق از منابع تاریخی و آرشیو کتابخانه‌های ملی و مجلس استخراج شده در جدول شماره 9 پیوست‌ها از صفحه 1 تا 62 درج شده است.

با توجه به موارد ذکر شده و اینکه توقیف روزنامه‌ها از ابتدای ورود مطبوعات به ایران تا امروز همچنان ادامه دارد و گویی تبدیل به سنتی تغییرناپذیر در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران شده، این سوال برای هر ذهن پرسشگری مطرح می‌شود که این روزنامه‌ها به کدامین دلیل یا دلایل توقیف شده‌اند، می‌شوند و خواهند شد.

پژوهشگر در این تحقیق به دنبال آن است تا با جمع‌آوری مطالب و مقالاتی که نگارش آنها در روزنامه‌های این دوره تاریخی، باعث بسته شدن و توقیف آنها شده، راهی مناسب برای پاسخگویی به این سوالات بیاید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

انواع ممیزی از سانسور گرفته تا خشونت بارترین نوع آن یعنی توقیف مطبوعات عواقبی برای جامعه به همراه دارد. سانسور باعث تغییر در ساختار زبان رسمی می‌شود و نویسندگان را مجبور می‌کند برای بیان عقاید و افکارشان از زبان استعاره و تمثیل استفاده کنند. وجود این استعارات پیچیده فقط برای قشر محدودی قابل درک است و همین باعث می‌شود تا به تدریج قشر روشنفکر در خود فرو روند و خصلت آگاه‌سازی شان را از دست بدهند و در نهایت باعث جدایی روشنفکران از مردم می‌شود؛ زیرا درک پیام رمزی و کنایه‌ای برای گیرنده یعنی مردم آسان نیست و در نهایت این چرخه باعث توقف رشد فرهنگی بین توده‌های مردم خواهد شد. از دیگر عواقب ممیزی ایجاد شبنامه‌هاست که از لحاظ فرهنگی قابل کنترل نیستند و به راحتی می‌توانند سیاست‌ها و خط مشی‌های فرهنگ رسمی را خنثی کنند.

از عوارض مهم سیاسی - اجتماعی ممیزی این است که مانع انعکاس معتقدات مردم شده و دستگاه حاکم دیگر نمی‌تواند از نظرات واقعی مردم مطلع شود. بنابراین برخلاف تصور حاکم، ممیزی کنترل بر مردم را کاهش می‌دهد. مطبوعات سانسور شده روح سیاسی را می‌کشند و عدم امکان طرح عقاید، باعث رشد بی‌تفاوتی و در نهایت تضعیف مشارکت سیاسی مردم می‌شود. یکی از بدترین عواقب توقیف‌ها و ممیزی‌های رسمی نشریات، خودسانسوری است. این پدیده باعث می‌شود تا ممیزی از حالت سیاسی به حالت فرهنگی تبدیل شده و به تدریج به یکی از ارزش‌های اجتماعی پایدار تبدیل شود. (رجب‌زاده 1378، 45-41)

یکی از شاخص‌های جهانی سنجش توسعه فرهنگی هر جامعه، تیراژ نشریات آن است. توقیف نشریات باعث افت تیراژ شده و همچنین تاثیر زیادی بر کاهش سطح آگاهی جامعه خواهد داشت.